

اثر بخشی بسته آموزشی، پرورش مهارت‌های زندگی (مبتنی بر مبانی اسلامی با روش فعال) بر هوش اخلاقی دانش آموزان دختر

مریم مشفق* دکتر زهره لطیفی**

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی اثر بخشی بسته آموزشی پرورش مهارت‌های زندگی مبتنی بر مبانی اسلامی با روش فعال نوین بر هوش اخلاقی دانش آموزان دختر مقطع پنجم دبستان بود. روش این پژوهش از نوع نیمه آزمایشی دو گروهی دو مرحله‌ای (پیش آزمون، پس آزمون) است. به منظور اجرای پژوهش از تمامی دانش آموزان دبستان‌های دخترانه شهرستان در نیمه اول سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶، ۳۰ نفر به صورت نمونه‌گیری در دسترس مبتنی بر ملاک‌های ورود و خروج انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) جایگذاری شدند. آزمون هوش اخلاقی بوربا (فرم والد)، به منظور اجرای پیش آزمون توسط والدین برای دانش آموزان اجرا شد. گروه آزمایش طی ۱۶ جلسه (به صورت هفته‌ای دو جلسه یک ساعته) تحت آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد اسلامی (توکل، تواضع و فروتنی، قناعت، شجاعت، مسئولیت‌پذیری، آراستگی، عزت نفس، رعایت نظم، قدرشناسی، صبر و شکیبایی، آداب معاشرت و عفو و گذشت) با شیوه‌های فعال با استفاده از روش‌های قصه‌گویی، ایفای نقش، بحث و گفتگو، رنگ‌آمیزی، بارش مغزی، شعرخوانی و اجرای نمایش مورد مطالعه قرار گرفتند. یک هفته پس از اتمام مداخله برای هر دو گروه پس آزمون اجرا شد. جهت تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل کواریانس یک طرفه با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ استفاده شد. نتایج نشان داد که بین دو گروه آزمایش و کنترل در متغیر هوش اخلاقی (مؤلفه‌های وجدان، همدلی، خویشتن‌داری، احترام، مهربانی، بردباری و عدالت) تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین می‌توان این روش را جهت هوش‌افزایی اخلاقی دانش آموزان در مدارس آموزش و پرورش به کار برد.

واژگان کلیدی: مهارت‌های زندگی اسلامی، آموزش فعال نوین، هوش اخلاقی.

مقدمه

اخلاقیات و اصول اخلاقی از جمله مباحثی است که به‌کارگیری آن در جامعه مورد تأکید اسلام است، به‌طوری که پیامبر اسلام (ص) هدف از رسالت خویش را به کمال رساندن مکارم اخلاقی معرفی کرده است. از این رو اخلاقیات به‌عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها، بایدها و نبایدها می‌تواند نقش مهمی در تربیت اثربخش کودکان ایفا کند (دهقان منشادی، ۱۳۹۶). هوش اخلاقی^۱ توانایی ذهنی برای شناسایی این موضوع است که چگونه اصول انسانی باید در ارزش‌ها، اهداف و کارکردهای فردی به‌کار گرفته شود (لنیک و کیل^۲، ۲۰۰۵). هوش اخلاقی به معنای برخورداری بودن از عقاید اخلاقی راسخ و قوی و عمل کردن به آنهاست. به‌گونه‌ای که کودک به شیوه‌ای صحیح و محترمانه رفتار کند. اگر بتوان «هوش» را ظرفیت سازگاری با موقعیت جدید قلمداد کرد، آنگاه «اخلاق»، ظرفیت سازماندهی ارزشی به این موقعیت را پوشش خواهد داد، از این‌رو، «هوش اخلاقی» در کنار هوش عقلانی می‌تواند توانمندی‌های فکری و عاطفی کودک را در ابعاد زندگی وی نمایان ساخته و نیک‌اندیشی و «خوش‌خلقی» را در او پدید آورد. تقویت هوش اخلاقی کودکان بهترین فرصت برای قرار دادن فرزندان در مسیر درست است تا آنها بتوانند علاوه بر درست فکر کردن، درست هم عمل کنند علاوه بر این پرورش ویژگی‌های شخصیتی نیز در حوزه هوش اخلاقی است. هوش اخلاقی اکتسابی بوده و می‌توان از هنگامی که کودک دوساله است، آن را پرورش داد اگرچه در آن سن، کودکان توانایی شناخت و بررسی استدلال‌های اخلاقی پیچیده را ندارند، اما در همان سن است که مبانی عادت‌های اخلاقی همچون خویش‌داری، احترام گذاشتن، با انصاف بودن، مشارکت و همدلی یاد گرفته می‌شود. هوش اخلاقی را باید تقویت کرد و خود سرمشق آن بود (بوربا^۳، ۲۰۰۵).

در منابع اسلامی در خصوص هوش اخلاقی کودک موارد زیر مورد توجه قرار گرفته‌اند: همدلی (احساس اخلاقی بنیادینی که درک احساسات دیگران را برای کودک امکان‌پذیر می‌سازد)؛ وجدان (یک ندای درونی فطری موقعی که به

1. moral intelligence
2. Lennick & Kiel
3. Borba

کودک در شناخت درست از نادرست کمک می‌کند و باعث می‌شود او در مسیر اخلاق باقی بماند و در صورت انحراف احساس گناه داشته باشد)، خویشتن‌داری (که کودک را در مهار کردن امیال خودخواهانه یاری می‌کند و نیز باعث فکر کردن قبل از مبادرت به هرکاری می‌شود)؛ مهربانی (این ویژگی توجه کودک را به رفاه و احساسات دیگران جلب کرده و خودخواهی او را کمتر و دلسوزی او را بیشتر می‌کند)؛ شکیبایی (این ویژگی باعث می‌شود کودک در ارتباطات واکنش بهتری داشته و در برابر مشکلات و ناملايمات بردبار باشد)؛ انصاف (به کودک کمک می‌کند تا ویژگی‌های مختلف دیگران را درک کند و آمادگی پذیرش و چشم‌اندازها و باورهای جدید را داشته باشد و به دیگران بدون توجه به تفاوت جنسیتی، نژاد، ظاهر، فرهنگ و باورها احترام بگذارد). در مجموع این ویژگی‌ها زمین جلوه مناسبی را فراهم می‌کنند تا فرد در مسیر رشد و پرورش ارزش‌های اخلاقی قرار گیرد (مختاری‌پور، سیادت، ۱۳۸۸ و سیدی، ۱۳۸۹). بر اساس تجربیات و شواهد سؤالات مکرر والدین از مشاوران کودک در خصوص چگونگی تقویت و پرورش هوش عمومی / تحصیلی کودکان‌شان و استقبال آنان از کتبی که در این مورد نوشته شده است و نبود آگاهی از امکان و ضرورت توجه به هوش اخلاقی به ویژه در سال‌های اولیه زندگی - که به قول معصوم (ع) زمینه وجود کودک برای کاشت بهترین بذرها که همان اخلاق است آماده می‌باشد - و هم چنین نبود منابع مطالعاتی برای تقویت و پرورش هوش اخلاقی کودکان، این ضرورت آشکار شد که پرداختن به این موضوع یعنی رشد هوش اخلاقی ضرورت است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند کودکانی که به هر دلیلی هوش اخلاقی کسب نکرده‌اند در معرض خطرهای جدی قرار دارند (کیاکمال، ۱۳۹۰؛ علی اکبری، علی‌پور و درنجفی شیرازی، ۱۳۹۴ و بوربا، ۲۰۰۵). از طرف دیگر با توجه به این‌که شناخت، مدیریت و کنترل هیجانات از اصول تربیت روان‌شناختی می‌باشد، بدیهی است کودکی که توانایی مدیریت هیجانات منفی خود را ندارد در سایر بخش‌های دیگر از قبیل صبر، خودکنترلی و... که مؤلفه‌های هوش اخلاقی هستند نیز مشکل اساسی خواهد داشت.

از طرف دیگر مهارت‌های زندگی به گروه بزرگی از مهارت‌های روانی-اجتماعی و میان‌فردی گفته می‌شود که می‌تواند به افراد کمک کند تا تصمیمات خود را

با آگاهی انتخاب کرده، به‌طور مؤثر ارتباط برقرار کنند، مهارت‌های مقابله‌ای و مدیریت شخصی خود را گسترش دهند و زندگی سالم، سازگاری، رفتار مثبت و مفید را فراهم می‌آورد. اگرچه در دوران کودکی، این تعارض‌ها جلوه چندانی ندارند، اما با افزایش سن و هنگام مواجهه با دشواری‌های ویژه جلوه سنین نوجوانی و جوانی، کشمکش‌های درونی و محیطی، بیشتر تظاهر پیدا می‌کنند و تنها گذاشتن کودکان در رویارویی با مشکلات ناهنجاری‌های روانی و اجتماعی زیان‌آوری را به دنبال دارد. این نارسایی‌ها برای آن‌ها، فرساینده و برای جامعه، بسیار پرهزینه است. کودکان هر خوب و بدی را که در ایام طفولیت، به ایشان آموخته شود، در بزرگسالی عملاً به‌کار می‌بندند. به عبارت دیگر، وضع روحی و اخلاقی و کیفیت رفتار و گفتار مردم هر عصری، محصول بذره‌های تربیتی است که در ایام کودکی، در مغز آن‌ها افشاند شده است. خوبی و بدی، پاکی و ناپاکی، قوت و ضعف فردای هر ملت را باید در روش تربیت کودکان امروز جستجو کرد. (لطیفی، صادقی و حیدری، ۱۳۹۴).

بنابر آنچه گفته شد ایجاد فرصت‌هایی برای آموزش و پرورش هوش اخلاقی کودکان متناسب با زمینه مذهبی و فرهنگی، کاملاً ضروری به نظر می‌رسد و روش آموزش و پرورش مناسب از مهم‌ترین پایه‌های کیفیت بخشی آموزش محسوب می‌شود. امروزه روش‌ها و شیوه‌های نوینی برای آموزش به کودکان ابداع شده است، که می‌توان به روش‌های ایفای نقش، بحث و گفت‌وگو، رنگ آمیزی، قصه‌گویی، بارش مغزی و شعرخوانی اشاره کرد.

اگر چه بررسی پیشین جلوه تحقیقات نشان می‌دهد که تحقیقات اندکی در زمین جلوه بررسی اثر بخشی آموزش مهارت‌های زندگی متناسب با مبانی اسلامی و فرهنگی به کودکان در کشور انجام شده؛ و اکثر تحقیقات به آموزش مهارت‌های زندگی پیشنهادی سازمان جهانی بهداشت پرداخته شده است. اما می‌توان به تحقیقات مشابهی در این زمینه اشاره کرد.

محمودیان، خوش‌کنش و صالح (۱۳۸۷)، بررسی خود را برای پاسخ به این سؤال انجام دادند که آیا می‌توان تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی را با سبک‌ها و روش‌های آرمانی همچون رویکرد قرآنی سنجش کرد و چنین رویکردی در آموزش مهارت‌های

زندگی چه تأثیری بر سازه‌های روحی و روانی همچون افسردگی که از مشکلات مهم و فراگیر افراد جامعه است، دارد؟ نتایج تحقیق آنان نشان داد که رویکرد نوین آموزش مهارت‌های زندگی با کارکردهایی بهتر از آنچه در شیوه‌های متداول ارائه می‌گردد، ضمن ایجاد زیرساخت شناختی و فلسفی برای افراد که تأمین‌کننده نیازهای فردی و شخصیتی و هویتی آنهاست، به ارتقاء سطح رضایتمندی در زندگی فرد هم در حوزه‌های شخصی و خصوصی و هم در حوزه شهروندی و اجتماعی به نحو موثرتری عمل کرده است. یاور (۱۳۹۲) اثر قصه‌گویی و نمایش خلاق مبتنی بر قصه‌های قرآنی بر هوش اخلاقی دانش آموزان دختر دبستانی را مؤثر و معنا دار گزارش کرده است. در همین راستا جعفری (۱۳۹۳) به بررسی اثربخشی آموزش آموزه‌های اخلاق اسلامی مرتبط با خانواده بر مؤلفه‌های هوش اخلاقی و کیفیت زندگی زناشویی زنان متأهل پرداخته و این آموزش را مؤثر گزارش کرده است. میرشاهی، قادری و معینی‌زاده (۱۳۹۴) در بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر علائم بالینی قربانیان سوءاستفاده جنسی به این نتیجه رسیدند، که برنامه جلوه آموزش مهارت‌های زندگی تأثیر معنی داری بر کاهش علائم بالینی شخصیت قربانیان سوء استفاده جنسی گذاشته است. مشرقی کاویجانی، خدابخشی کولایی، حمیدی پور و مصلی نژاد (۱۳۹۴) در تحقیق خود رابطه بین هوش اخلاقی و راهبردهای حل مساله، حمایت اجتماعی و ارزیابی شناختی ارتباط را مثبت و معنا دار گزارش کرده‌اند. کرباسیان (۱۳۹۴) در پژوهش خود اثر آموزش اخلاقی بر بهبود کیفیت مهارت‌های ارتباطی و کاهش پرخاشگری را مورد بررسی قرار داده و نتیجه گرفته است که آموزش مؤلفه‌های هوش اخلاقی، مهارت‌های ارتباطی (مهارت‌های اجتماعی، کفایت اجتماعی، ارتباط با همسالان) را افزایش و همچنین بر مؤلفه‌های خشم (ناکامی، ارتباط با مراجع قدرت، خود کنترلی، ارتباط با همسالان) اثربخش بوده است و به میزان قابل توجهی ناکامی را کاهش داده است. در همین راستا حکیمی (۱۳۹۵) نیز در پژوهش خود اثربخشی آموزش راهکارهای کنترل خشم با رویکرد اسلامی بر کنترل خشم را مورد تأیید قرار داده است. علی اکبری، گلپایگانی و محتشمی (۱۳۹۴) طی پژوهشی طبق نظریه بوربا مدلی را برای سنجش هوش اخلاقی کودکان ارائه کردند. حافظ، شاکری‌نیا، خیراتی، درگاهی و قاسم جوبنه، (۱۳۹۵) در پژوهشی رابط جلوه بین

هوش معنوی و هوش اخلاقی با بهزیستی روان‌شناختی پرستاران را مورد سنجش قرار داده و رابطه بین هوش معنوی و هوش اخلاقی با بهزیستی روان‌شناختی را تأیید نموده‌اند. مرجمتی و فولادچنگ (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای به بررسی اثر بخشی آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد اسلامی بر بهزیستی روان‌شناختی یادگیرندگان پرداختند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد اسلامی موجب بهبود وضعیت بهزیستی روان‌شناختی در یادگیرندگان می‌شود. حیدرپور، صادق‌زاده قمصری و سجادی (۱۳۹۷) به تحلیل تطبیقی راهنمای برنامه درسی دین و زندگی دوره متوسطه دوم با مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی پرداخته و آنرا مورد بررسی قرار داده و ضمن تأیید تطابق محتوا پیشنهاداتی را در زمینه همراه کردن محتوا با سبک زندگی اسلامی-ایرانی ارائه کرده‌اند. از طرف دیگر تحقیق یوسفی افراکتی و صمدی (۱۳۹۶) تحت عنوان؛ میزان موفقیت برنامه درسی آداب و مهارت‌های زندگی اسلامی (طرح کرامت) برکسب مهارت حل مساله دانش‌آموزان پایه پنجم دوره ابتدایی از دیدگاه معلمان (مطالعه موردی: منطقه ۶ آموزش و پرورش شهر تهران)، بیانگر آن است که از نظر معلمان میزان موفقیت برنامه آموزش آداب و مهارت‌های زندگی اسلامی (طرح کرامت) برکسب توانایی مهارت حل مساله دانش‌آموزان نیازمند رشد و بالندگی بیشتری می‌باشد و به حد مطلوبی نرسیده است. لیک و کیل (۲۰۰۵) در تحقیق خود نشان دادند، هوش اخلاقی عامل تأثیرگذاری بر موفقیت کاری می‌باشد. آردوندو راسینسکی و باچ^۱ (۲۰۰۶) نیز در مطالعه خود دریافتند که سطح تحصیلات و جنسیت تأثیری بر هوش اخلاقی افراد ندارد. وات، فراوسین، دیکسون و نیمو^۲ (۲۰۰۰) در تحقیقی در زمینه هوش اخلاقی زنان دریافتند که، آموزش اخلاقی منجر به افزایش سطوح هوش اخلاقی آنان گردید. فکس و سندی^۳ (۲۰۱۶) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که برنامه جلوه آموزشی مهارت زندگی تأثیرات مثبت زیادی بر کاهش خودکشی، مصرف الکل و زورگویی نوجوانان داشته است. کاکاوندی، کوهی، شجاعی و نوروز علی (۲۰۱۷) نیز به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت‌های زندگی تأثیر معناداری

1. Aredondo Rucinski & Bauch
2. Watt, Frausin, Dixon & Nimmo
3. Fekkes & Sande

بر بهبود سلامتی فیزیکی، سلامت ذهنی، ارتباط اجتماعی و در آخر کیفیت زندگی داشته است.

با توجه به موارد بیان شده در رابطه با مشکلات روان‌شناختی و تأثیر آموزش هوش اخلاقی و نظر به اینکه متغیرهایی همچون همدلی، احترام، وجدان، انصاف، مهربانی، خویشتنداری، تحمل و بردباری می‌تواند به عنوان یک سپر در برابر مشکلات کودکان عمل نماید و با توجه به اهمیت جامعه آماری که به امر تعلیم و تربیت ارتباط دارند، ضرورت تحقیق در مورد رابطه آموزش پرورش مهارت‌های زندگی به شیوه جلوه فعال و نوین بر هوش اخلاقی با تأکید بر رویکرد اسلامی بیش از هر موردی احساس می‌شود. مبانی اسلامی نیازمند معرفت‌شناسی اسلامی است و راه وصول به علم و معرفت‌شناسی اسلامی در فرایند آموزش و پرورش اتفاق می‌افتد (رشیدی، کشاورز، بهشتی و صالحی، ۱۳۹۶). بر اساس مرور مطالعات انجام شده فقدان مطالعه منسجمی که مهارت‌های زندگی را با شیوه‌های نوین آموزش داده باشد کاملاً احساس می‌شود. از این سؤالی که مطرح است این است که اثربخشی آموزش مهارت‌های اسلامی با شیوه جلوه نوین و فعال بر افزایش و بهبود رشد هوش اخلاقی دانش آموزان چگونه است؟

روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های نیمه آزمایشی با دو گروه (آزمایشی و کنترل) دو مرحله‌ای (پیش‌آزمون، پس‌آزمون) است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دختران دبستانی شهرستان نجف آباد در نیمه اول سال ۱۳۹۶ بود. در پژوهش حاضر، ۳۰ نفر از دانش‌آموزان دختر کلاس پنجم به صورت نمونه‌گیری دردسترس، به عنوان نمونه انتخاب و مبتنی بر ملاک‌های ورود و خروج (به ترتیب شامل علاقه به شرکت در تحقیق توسط دانش آموز، رضایت والدین، پایه پنجم و مذهب اسلام و ملاک‌های خروج غیبت بیش از دو جلسه در دوره و مشکلات رفتار ایدایی که منحل آرامش کلاس باشد) و با استفاده از گمارش تصادفی در دو گروه ۱۵ نفری آزمایشی و کنترل قرار گرفتند.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

ابزار مورد استفاده در این تحقیق مقیاس هوش اخلاقی کودکان ۳-۷ ساله برای کودکان ایرانی از علی اکبری دهکردی، علی پور و درنجفی (۱۳۹۲) بود که بر اساس نظریه هوش اخلاقی بوربا (۲۰۱۰) و همسویی با ادبیات تعلیم و تربیت اسلامی طراحی شده است. این پرسش‌نامه دارای ۷۰ سؤال بوده و ۷ مؤلفه هوش اخلاقی زیر را مورد سنجش قرار داده است:

فضیلت‌های همدلی (سؤالات ۱-۵-۱۱-۲۰-۲۷-۳۱-۳۷-۴۳-۵۰)؛

وجدان (سؤالات ۲-۶-۱۲-۱۵-۲۱-۲۸-۳۲-۳۸-۴۴-۵۱)؛

خویش‌اندازی (سؤالات ۷-۱۳-۱۶-۲۲-۳۳-۳۹-۴۵)؛

احترام (سؤالات ۳-۸-۱۴-۱۷-۲۳-۲۹-۳۴-۴۰-۴۶-۵۲)؛

مهربانی (سؤالات ۹-۲۴-۳۵-۴۱-۴۷-۵۳)؛

بردباری (سؤالات ۱۰-۱۸-۲۵-۴۸-۵۴)؛

انصاف، عدالت (سؤالات ۴-۱۹-۲۶-۳۰-۳۶-۴۲-۴۹-۵۵)

پرسش‌نامه توسط والدین کودکان تکمیل و نمره گذاری بر اساس مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای به صورت «خیلی زیاد=۵»، «زیاد=۴»، «متوسط=۳»، «کم=۲» و «خیلی کم=۱» انجام شد. دامنه نوسانات نمرات حاصل از پرسش‌نامه بین ۷۰ تا ۳۵۰ نمره بوده است. نمره بیشتر به منزل جلوه برخوردار از هوش اخلاقی بالاتر است. در پژوهش علی اکبری دهکردی، علی پور و درنجفی شیرازی (۱۳۹۳) روایی محتوای آن توسط جمعی از اساتید متخصص تأیید و میزان پایایی آن با استفاده از روش بازآزمایی آلفای ۰.۹۵ محاسبه گزارش شده است. این مقیاس توسط علی اکبری دهکردی، علی پور، گلپایگانی و محتشمی (۱۳۹۴) مجدداً اعتباریابی و هنجاریابی گردید. نتایج حاصل، نشان داد تمام مؤلفه‌های هوش اخلاقی با نمره کلی این مقیاس رابطه معنی‌دار دارند و در مجموع الگوی ضرایب همبستگی نشان داد که روابط درونی خوبی بین مؤلفه‌ها وجود دارد. همبستگی همه سؤالات به غیر از سؤالات ۵، ۶، ۲۰، ۲۲ و ۶۶ با بقیه سؤالات در حد مناسب بود که منجر به حذف این سؤالات قبل از تحلیل عامل تأییدی گردید و میزان پایایی آن با استفاده از روش بازآزمایی آلفای ۰.۹۵ اطمینان محاسبه گردید. در این پژوهش روایی سؤالات با تأیید نظر متخصصان و معلمان

کلاس پنجم مورد تأیید قرار گرفت. به این صورت که قبل از اجرا، پرسش‌نامه توسط چند نفر از معلمان و روانشناسان حوزه کودک مورد بررسی قرار گرفته و شفافیت و تناسب صوری و محتوایی سؤالات متناسب با هدف محقق و هدف پرسش‌نامه مورد تأیید قرار گرفت و ضریب توافق مناسبی (۰/۸۹) حاصل گردید. ضریب پایایی مؤلفه‌ها به روش آلفای کرونباخ در مورد مؤلفه همدلی ۰/۹۳۱، وجدان ۰/۹۲۵، خویش‌تنداری ۰/۹۳۱، احترام ۰/۹۳۵، مهربانی ۰/۹۲۵، بردباری ۰/۹۲۶، عدالت و انصاف ۰/۹۳، محاسبه گردید. ملاحظات اخلاقی شامل، تمایل آگاهانه به شرکت در پژوهش، تضمین محرمانه بودن اطلاعات آزمودنی‌ها و احترام به حقوق انسانی شرکت‌کنندگان و اجرای مداخله برای گروه کنترل پس از اتمام تحقیق مدنظر محققان بوده است.

روش اجرا

پس از هماهنگی‌های لازم برای اجرای مداخله با سازمان‌های مربوطه و انتخاب نمونه، پیش از شروع مداخله پرسش‌نامه هوش اخلاقی کودکان ۵۵ سؤالی (بوربا، ۲۰۱۰) توسط والدین شرکت‌کنندگان تکمیل گردید، به افراد گروه آزمایش، پرورش مهارت‌های توکل، تواضع و فروتنی، قناعت، شجاعت، مسئولیت‌پذیری، آراستگی، عزت نفس، رعایت نظم، قدرشناسی، صبر و شکیبایی، آداب معاشرت و عفو و گذشت اسلامی به صورت ۱۶ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای در طول دو ماه به صورت گروهی با شیوه‌های فعال و نوین شامل روش‌های قصه‌گویی، ایفای نقش، بحث و گفت‌وگو، رنگ‌آمیزی، بارش مغزی، شعرخوانی و اجرای نمایش و انجام پژوهش در مورد هر مهارت با استفاده از کاربرگ‌های مخصوص آموزش داده شد. علت انتخاب تعداد جلسات به خاطر جذابیت کلاس و رعایت خستگی دانش‌آموزان به لحاظ شرایط سنی و نیز ایجاد فرصت انجام تمرینات و تکالیف بود. جهت آموزش از بسته آموزش مهارت‌های اسلامی به کودکان با شیوه‌های نوین (لطیفی و همکاران، ۱۳۹۴) استفاده گردید.

در طول این مدت گروه کنترل آموزش خاصی دریافت نکردند. بعد از اتمام جلسات درمانی پس از آزمون اجرا شد.

خلاصه جلسات آموزشی در جدول ۱ به تفکیک آمده است.

جدول ۱. مقدمه جلسات آموزشی مهارت‌های زندگی مبتنی بر مبانی اسلامی

موضوعات	جلسات
یخ شکنی و معرفی افراد - آشنایی با برنامه و اهداف گروه - تدوین قوانین گروه - قصه گویی (درس آن شب و تقوا در درس خواندن) - بحث و گفت‌وگو - شعر خوانی - رنگ آمیزی - جمله ناتمام - زنگ تفریح - ایفای نقش. تکلیف جلسه. گفت‌وگو و پژوهش در مورد مهارت توکل با کمک خانواده.	جلسه اول و دوم. آموزش مهارت توکل
مرور جلسه پیشین. قصه گویی (شیر خودخواه - خاکستری) - بحث و گفت‌وگو - شعر خوانی - رنگ آمیزی - بارش فکری - زنگ تفریح - جمله ناتمام - ایفای نقش. تکلیف جلسه. گفت‌وگو و پژوهش در مورد مهارت‌های تواضع، فروتنی و قناعت با کمک خانواده.	جلسه سوم و چهارم. آموزش مهارت تواضع، فروتنی و قناعت
مرور جلسه پیشین. قصه گویی (خاکستری و طفل شجاع) - بحث و گفت‌وگو - شعر خوانی - نمایش فیلم - زنگ تفریح - جمله ناتمام. تکلیف جلسه. گفت‌وگو و پژوهش در مورد مهارت شجاعت با کمک خانواده	جلسه پنجم و ششم. آموزش مهارت شجاعت
مرور جلسه پیشین. قصه گویی (بستن زانوی شتر و ظرف پر آب) بحث و گفت‌وگو - شعر خوانی - رنگ آمیزی - زنگ تفریح - اجرای نمایش. تکلیف جلسه. گفت‌وگو و پژوهش در مورد مهارت پژوهش آراستگی با کمک خانواده	جلسه هفتم و هشتم. آموزش مهارت آراستگی
مرور جلسه پیشین. قصه گویی (بستن زانوی شتر) - بحث و گفت‌وگو - شعر خوانی - تکمیل جدول - ضرب المثل - ایفای نقش. تکلیف جلسه. گفت‌وگو و پژوهش در مورد مهارت پژوهش مسئولیت پذیری با کمک خانواده	جلسه نهم و دهم. آموزش مهارت مسئولیت پذیری
مرور جلسه پیشین. قصه گویی (پیرمرد کلاه فروش - تمساح صبور) بحث و گفت‌وگو - شعر خوانی - جمله ناتمام - زنگ تفریح - ایفای نقش. تکلیف جلسه. گفت‌وگو و پژوهش در مورد مهارت آداب معاشرت و صبر با کمک خانواده	جلسه یازدهم و دوازدهم. آموزش مهارت آداب معاشرت و صبر
مرور جلسه پیشین. قصه گویی (خط خوش) - بحث و گفت‌وگو - بازی نقل خاطره - شعر خوانی - زنگ تفریح - ایفای نقش. تکلیف جلسه. گفت‌وگو و پژوهش در مورد مهارت عزت نفس با کمک خانواده	جلسه سیزدهم و چهاردهم. آموزش مهارت عزت نفس
مرور جلسه پیشین. قصه گویی (پسر سلخته) بحث و گفت‌وگو - شعر خوانی - ایفای نقش - جمع بندی و باز خورد. تکلیف جلسه. گفت‌وگو و پژوهش در مورد مهارت نظم با کمک خانواده.	جلسه پانزدهم و شانزدهم. آموزش مهارت رعایت نظم

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل کواریانس یکطرفه با نرم افزار SPSS نسخه 24

استفاده گردید.

یافته‌ها

میانگین و انحراف استاندارد نمرات پیش آزمون و پس آزمون خرده مقیاس‌های هوش اخلاقی به صورت تفکیک شده برای دو گروه آزمایش و کنترل در جدول شماره ۲ آورده شده است.

جدول ۲. یافته‌های توصیفی هوش اخلاقی به تفکیک دو گروه آزمایش و کنترل

مؤلفه‌های هوش اخلاقی	گروه	آزمون	میانگین	انحراف معیار
همدلی	آزمایش	پیش آزمون	۳۲/۸۶	۳/۸۷
		پس آزمون	۳۸/۱۳	۴/۰۶
	کنترل	پیش آزمون	۳۵/۸۰	۴/۶۶
		پس آزمون	۳۷/۲۶	۴/۲۳
وجدان	آزمایش	پیش آزمون	۳۴/۸۰	۳/۹۱
		پس آزمون	۳۸/۹۳	۴/۳۳
	کنترل	پیش آزمون	۳۵/۹۳	۳/۳۹
		پس آزمون	۳۵	۵/۷۸
خویشتنداری	آزمایش	پیش آزمون	۲۴/۳۳	۳/۴۳
		پس آزمون	۲۸/۱۳	۴/۰۸
	کنترل	پیش آزمون	۲۵/۵۳	۲/۱۹
		پس آزمون	۲۴/۲۶	۳/۷۱
احترام	آزمایش	پیش آزمون	۳۵/۶۰	۴/۹۲
		پس آزمون	۴۱	۴/۳۵
	کنترل	پیش آزمون	۳۶/۷۳	۴/۳۸
		پس آزمون	۳۷/۰۶	۵/۶۵
مهربانی	آزمایش	پیش آزمون	۲۳/۲۰	۲/۷۸
		پس آزمون	۲۵/۲۰	۲/۸۶
	کنترل	پیش آزمون	۲۵/۴۶	۳/۴۱
		پس آزمون	۲۴/۲۶	۲/۹۶

جدول ۲ (ادامه).

انحراف معیار	میانگین	آزمون	گروه	مولفه‌های هوش اخلاقی
۲/۶۰	۱۸/۲۶	پیش آزمون	آزمایش	بردباری
۲/۵۷	۲۰/۷۳	پس آزمون		
۲/۷۷	۲۰/۸۶	پیش آزمون	کنترل	
۳/۲۹	۲۰/۱۳	پس آزمون		
۳/۰۴	۲۸/۱۳	پیش آزمون	آزمایش	عدالت
۳/۸۱	۳۲/۴۰	پس آزمون		
۲/۷۹	۲۷/۶۶	پیش آزمون	کنترل	
۳/۰۴	۲۹/۱۳	پس آزمون		

با توجه به جدول شماره ۲ خرده مقیاس‌های همدلی، وجدان، خویشتنداری، عدالت، بردباری، مهربانی، احترام و خویشتنداری در گروه آزمایش از افزایش میانگین در مرحله پس آزمون نسبت به پیش آزمون برخوردار بودند. جهت تحلیل داده‌ها از روش آماری تحلیل کواریانس یک طرفه استفاده شد. از این رو پیش فرض‌های استفاده از تحلیل کواریانس یک طرفه مورد بررسی و تأیید قرار گرفت و مشخص گردید بین متغیرها رابطه خطی وجود دارد. به دنبال آن جهت بررسی اثر آموزش پرورش مهارت‌های زندگی مبتنی بر مبانی اسلامی به شیوه جلوه فعال و نوین بر هوش اخلاقی کودکان از روش تحلیل کواریانس یک طرفه استفاده شد؛ که نتایج آن در جدول شماره ۳ ارائه گردیده است.

جدول ۳. خلاصه نتایج تحلیل کواریانس یک طرفه مربوط به اثر مهارت‌های زندگی اسلامی بر مؤلفه‌های هوش اخلاقی کودکان

متغیر	مجموع مجزورات	DF	میانگین مجزورات	F	مجذور اتا	سطح معنی داری
همدلی	۷۷/۳۲	۱	۷۷/۳۲	۶/۰۴	۰/۲۲۴	۰/۰۲۳
وجدان	۱۷۱/۶۰	۱	۱۷۱/۶۰	۱۲/۰۵	۰/۳۶۵	۰/۰۰۲
خویشتنداری	۱۳۳/۹۰	۱	۱۳۳/۹۰	۱۲/۵۶	۰/۳۷۴	۰/۰۰۲
احترام	۱۶۵/۳۳	۱	۱۶۵/۳۳	۱۰/۳۶	۰/۳۳۰	۰/۰۰۴
مهربانی	۶۶/۸۲	۱	۶۶/۸۲	۱۱/۰۴	۰/۳۴۵	۰/۰۰۳
بردباری	۱۹/۴۶	۱	۱۹/۴۶	۵/۳۶	۰/۲۰۴	۰/۰۳۱
عدالت	۹۶/۷۵	۱	۹۶/۷۵	۱۱/۰۴	۰/۳۳۵	۰/۰۰۴

بر اساس جدول شمار جلوه ۳ می‌توان بیان داشت که اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی اسلامی به شیوه فعال و نوین بر روی همدلی، وجدان، خویشتنداری، احترام، مهربانی، بردباری و عدالت در سطح ۰/۰۵ معنادار بوده این بدین معناست که آموزش مهارت‌های اسلامی توانسته است ابعاد هوش اخلاقی را بصورت چشمگیری بهبود ببخشد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های اسلامی با شیوه جلوه نوین و فعال بر افزایش و بهبود رشد هوش اخلاقی دانش‌آموزان بود. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که در مرحله پس‌آزمون، بین هوش اخلاقی دانش‌آموزان گروه آزمایش و کنترل تفاوت معناداری وجود داشته است؛ بدین معنی که آموزش و یا به عبارتی فراهم کردن زمینه برای پرورش مهارت‌های اسلامی بر هوش اخلاقی تأثیر معنادار مثبتی داشته است.

مرور پژوهش‌ها نشان از آن دارد که کمتر پژوهشی تأثیر آموزش مهارت‌های اسلامی بر هوش اخلاقی را بررسی نموده‌اند، اما در پژوهش‌های نسبتاً مشابه این یافته با نتایج پژوهش‌های حکیمی (۱۳۹۵) که سنجش اثربخشی آموزش راهکارهای کنترل خشم با رویکرد اسلامی بر کنترل خشم را مورد تأیید قرار داده، تحقیق جعفری (۱۳۹۳) که به بررسی اثربخشی آموزش آموزه‌های اخلاق اسلامی مرتبط با خانواده و مؤلفه‌های هوش اخلاقی بر کیفیت زندگی زنان متأهل پرداخته و پژوهش یآوری (۱۳۹۲) مبنی بر تاثیر قصه‌گویی و نمایش خلاق مبتنی بر قصه‌های قرآنی بر هوش اخلاقی دانش‌آموز دختر دبستانی است و همین‌طور پژوهش محمودیان، خوش‌کنش و صالح (۱۳۸۷) در مورد بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد قرآنی بر افسردگی دانشجویان انجام شده است، همسو می‌باشد. در تمام تحقیقات فوق که برای آموزش از روش‌های مبتنی بر فرهنگ و معارف دینی استفاده شده است مداخلات همانند پژوهش حاضر موثر بوده‌اند، اگر چه تحقیقات فوق مشخصاً آموزش مهارت‌های زندگی اسلامی در کودکان را هدف خود قرار نداده‌اند ولی همه به نوعی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و هوش اخلاقی بوده‌اند. از طرف دیگر این یافته‌ها با تحقیق یوسفی افراکتی و صمدی (۱۳۹۶) تحت عنوان؛ میزان موفقیت برنامه درسی آداب و مهارت‌های زندگی اسلامی (طرح کرامت) بر کسب مهارت حل مساله دانش‌آموزان پایه پنجم دوره ابتدایی از دیدگاه معلمان (مطالعه موردی):

منطقه ۶ آموزش و پرورش شهر تهران)، که بیانگر آن است که از نظر معلمان میزان موفقیت برنامه آموزش آداب و مهارت‌های زندگی اسلامی (طرح کرامت) برکسب توانایی مهارت حل مساله دانش‌آموزان نیازمند رشد و بالندگی بیشتری می‌باشد و به حد مطلوبی نرسیده است، نا همسو می‌باشد. بر اساس نتایج به دست آمده آموزش مهارت‌های اسلامی با روش‌های فعال و نوین که شامل مواردی همچون آموزش مهارت توکل، آموزش مهارت تواضع و فروتنی، آموزش مهارت صبر و شکیبایی، آموزش مهارت مسئولیت‌پذیری و آموزش مهارت قناعت بوده است، توانسته است به کودکان تفهیم کند که در موقعیت‌های فردی و اجتماعی و در تعامل با محیط بیرون نظارت و مدیریت بهتری بر رفتارها و واکنش‌های خود داشته و رفتارهای اجتماعی بهتری را نشان دهند، خودکنترلی و خویش‌داری بیشتری داشته باشند، برای دیگران احترام قائل شده و رفتارهای مهربانانه تری بروز دهند و انصاف و عدالت را مدنظر داشته باشند و نهایتاً در ارتقاء هوش اخلاقی کودکان تحت آموزش مؤثر بوده است.

شاید یکی از مهم‌ترین دلایل اثربخشی در این دوره آموزشی این است که، برای تعمیق آموزش مهارت‌های اسلامی از قصه‌ها و حکایت‌ها استفاده شده است، قصه‌ها راه حل‌های شگفت‌انگیزی را ارائه می‌دهند که شدنی و مثبت هستند و به رهایی از تعارضات درونی کمک می‌کنند. چهارچوب قصه و تأثیر آن، منحصر به فرد بوده و به خصوص در سنین کودکی نسبت به سایر روش‌ها جذاب‌تر بوده و احتمال به‌کارگیری و تعمیم آنها توسط کودک در شرایط مشابه، بیشتر است. قصه‌ها بر اساس این عقیده استوار است که مسائل و مشکلات در شرایط و بافت اجتماعی، فرهنگی و برای همه افراد در برهه‌هایی از زمان ایجاد می‌شوند. در روش قصه‌گویی فرض بر این است که فرد فرصت برای انتخاب رفتارهای مختلفی را دارد و می‌تواند بهترین رفتار را انتخاب کند. بدین ترتیب در رابطه با تبیین این یافته‌ها می‌توان عنوان داشت که آموزش مهارت توکل، آموزش مهارت تواضع و فروتنی، آموزش مهارت شجاعت، آموزش مهارت آراستگی، آموزش مهارت مسئولیت‌پذیری از طریق قصه و داستان باعث شده کودک مانند قهرمان داستان و قصه به‌عنوان الگو عمل کرده و در جریان یادگیری مشاهده‌های و شرطی‌سازی جانشینی رفتارهای جدیدی را بیاموزد؛ یا به زبان روان‌تحلیل‌گری کودک با قهرمان قصه همانندسازی کرده و قالب رفتاری او را برای خود برگزیده؛ به‌خصوص این‌که مفاهیم

و آموزه‌ها منطبق با فطرت الهی کودک بوده و از طرف افرادی (معصومین ع) نقل قول می‌شده است که مورد ستایش، قداست و اعتماد کودک بوده‌اند و این یادگیری با رضایت خاطر به موقعیت‌های واقعی زندگی او تعمیم یافته و رفتار کودک را هدایت کرده است. از طرف دیگر علاوه بر قصه‌گویی در این آموزش از شیوه‌های گوناگونی مثل شعر خوانی، رنگ آمیزی، ایفای نقش و اجرای نمایش که همه به صورت بازی‌های گروهی انجام شده، استفاده شده است که احتمالاً در درک مفاهیم اخلاقی و برانگیختگی احساسی کودک نقش موثری ایفا کرده است به این دلیل که بازی، قدرت خلاقیت، تمرکز ذهنی و ابداع را در کودک پرورش می‌دهد، بازی نمایشی سبب آشکارسازی شخصیت کودک می‌شود و ایفای نقش در تئاتر کودک را به صورت جدی و فعال درگیر موضوع می‌کند. از ویژگی‌های مهم بازی‌های نمایشی که نقش مهمی را در این آموزش ایفا کرده‌اند می‌توان به تخیل، آزادی، وانمود کردن و باور اشاره کرد. کودک در بازی نمایشی موقعیت را باور می‌کند، خودش را باور می‌کند و می‌تواند صحنه‌های واقعی زندگی‌اش را بازنمایی و بازی کند و حتی تشویق می‌شود تا صحنه‌هایی را که هرگز اتفاق نیفتاده‌اند، هرگز اتفاق نخواهند افتاد یا اصلاً نمی‌توانند اتفاق بیفتند را نیز بازی کند و به تصویر بکشد. شاید بتوان گفت مشکلات کودکان در روابط اجتماعی تا حدودی نتیجه عدم درک و نداشتن مهارت در مشکل‌گشایی اجتماعی است و ایجاد زمینه و فضای بازی و ایفای نقش کودک را در موقعیت یافتن راه حل‌های مختلف در موقعیت‌های اجتماعی، درک پیامد رفتارهای خود و دیگران و درک روابط علت و معلولی بین رفتار و نتیجه آن‌ها قرار می‌دهد.

تبیین دیگری که می‌توان برای اثر بخشی این تحقیق عنوان نمود ترکیب روش‌هایی است که طبق نظر جی سیگل (۱۳۹۳) موجب یک‌پارچگی مغز کودک شده و در عین حال هر دو نیمکره را درگیر و فعال می‌کند محقق با وادار کردن کودکان به اجرای نمایش و شعر خوانی و قصه‌گویی موجب فعال شدن نیمکره راست (احساس) و با واداشتن او به تکمیل جملات ناتمام، تحقیق و پژوهش، بارش مغزی و بحث و گفت‌وگو با دوستان و اعضای خانواده زمینه فعالیت نیمکره چپ (منطقی) را به‌طور جدی فراهم کرده است و این به‌کارگیری دو نیمکره به صورت همزمان کارایی و اثر بخشی آموزش را قطعاً افزایش داده است. در مجموع شیوه‌های به‌کار برده شده به گونه‌ای هستند که هم می‌توانند موجب مدیریت هیجانات شده و هم ظرفیت شناختی کودکان را ارتقا بخشند. علاوه بر موارد فوق

؛ تکمیل جملات ناتمام، نقاشی و انجام تکلیف و پژوهش با همکاری خانواده موجب جذب دانش‌آموزان با سلیق گوناگون به این مداخله گشته و منجر به ایجاد فرصت برای تعمیق و تفکر در مورد مفاهیم آموزشی شده و نیز کاربرد آن را در عمل تسهیل نموده است. احتمالاً آموزش مهارت مسئولیت‌پذیری توانسته به کودکان آموزش دهد تا در مقابل عملکرد خود پاسخگو بوده و در قبال اهداف و ارزش‌های خود و همین‌طور خانواده و جامعه، پاسخگو بوده و مسئولیت رفتارهای خود را بشناسند و آموزش مهارت تواضع و فروتنی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی توانسته است به کودکان یاری رساند که تا بتوانند در ارتباط با همسالان، اعضای خانواده و جامعه، مهربانی و تواضع و فروتنی بیشتری را نشان دهند و به این ترتیب سطوح مهربانی در ایشان بهبود یابد. همچنین به نظر می‌رسد آموزش توکل بر تاب‌آوری آنان در موقعیت‌هایی که تحت فشار می‌باشند و یا استرس و مشکلات گوناگونی را تجربه می‌کنند اثر داشته تا بر خدا توکل نموده و با در نظر گرفتن اینکه می‌توانند از او در تمام مشکلات سخت کمک بگیرند، مسائل و مشکلات خود را بهتر تحمل نمایند و بردباری و صبر بیشتری را نشان دهند.

پیشنهاد می‌گردد صدا و سیما با همکاری وزارت آموزش و پرورش، برنامه‌هایی آموزشی و متنوع تهیه و در قالب این برنامه‌ها، مهارت‌های اسلامی را به هنگام و به موقع به کودکان و نوجوانان آموزش دهند و هوش اخلاقی آنان را افزایش داده و از بروز ناهنجاری‌های روانی و اجتماعی در آینده پیشگیری نمایند. در این پژوهش برای تعمیق اثر بخشی آموزش از ابزارهایی همچون شعرخوانی، رنگ‌آمیزی، قصه، ایفای نقش، نمایش، بارش مغزی، پژوهش و بحث و گفت‌وگو با دوستان و خانواده استفاده شده است، پیشنهاد می‌گردد معلمان پرورشی در مدارس برای آموزش اصول اخلاقی و بالا بردن هوش اخلاقی کودکان، از این ابزارها استفاده نمایند. و در نهایت در آموزش هوش اخلاقی به دانش‌آموزان، به فرهنگ اسلامی و آموزه‌های دینی توجه بیشتری مبذول شود.

با توجه به اینکه آموزش مهارت‌های زندگی اسلامی به شیوه‌های فعال و نوین بر هوش اخلاقی دانش‌آموزان دبستانی تأثیر مثبتی داشته است. در این پژوهش اثرات آموزش مهارت‌های زندگی اسلامی به شیوه‌های فعال و نوین بر هوش اخلاقی دانش‌آموزان در فواصل زمانی مختلف مورد پیگیری قرار نگرفته است که این موضوع از محدودیت‌های این پژوهش می‌باشد.

- بوربا، میکله. (۲۰۰۵). پرورش هوش اخلاقی. چاپ اول. ترجمه فیروزه کاووسی، (۱۳۹۰). تهران: رشد.
- جعفری، محمدحسین. (۱۳۹۳). بررسی اثربخشی آموزش آموزه‌های اخلاق اسلامی مرتبط با خانواده و مؤلفه‌های هوش اخلاقی بر کیفیت زندگی زناشویی زنان متأهل شهر کوهپایه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد واحد خمینی شهر اصفهان.
- حافظ، ستوده؛ شاکری نیا، ایرج؛ خیراتی، مریم؛ درگاهی، شهریار و قاسمی جوبنه، رضا. (۱۳۹۵). رابطه بین هوش معنوی و هوش اخلاقی با بهزیستی روان‌شناختی پرستاران. *مجله اخلاق و تاریخ پزشکی*. ۹ (۱): ۶۳-۷۳.
- حکیمی، پرویز. (۱۳۹۵). طراحی آموزشی راهکارهای کنترل خشم با رویکرد اسلامی و اثربخشی آن بر کنترل خشم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشگاه علوم قرآنی مشهد.
- حیدرپور، حسن؛ صادق‌زاده قمصری، علیرضا و سجادی، سیدمهدی. (۱۳۹۷). تحلیل تطبیقی راهنمای برنامه درسی دین و زندگی دوره متوسطه دوم با مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی-ایرانی. *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۳ (۴): ۳۵-۶۶.
- دهقان منشادی، منصوره. (۱۳۹۶). بررسی رابطه هوش اخلاقی با وجدانکاری و تعهد سازمانی با تأکید بر رویکرد اسلامی در مدیران مدارس شهرستان مشهد. *فصل‌نامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲ (۳): ۸۶-۶۷.
- رشیدی، شیرین؛ کشاورز، سوسن؛ بهشتی، سعید و صالحی، اکبر. (۱۳۹۶). ارائه الگوی نظری تربیت عقلانی جهت نظام آموزش و پرورش رسمی و عمومی براساس مبانی معرفت‌شناختی قرآن کریم. *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲ (۲): ۳۶-۷.
- سیدی، طیبه. (۱۳۸۹). تأثیر قصه‌گویی در درمان پرخاشگری، اولین همایش بین‌المللی روان‌پزشکی کودک و نوجوان. ۱۵۴، ۱۱۰.
- سیگل، دانیل جی. (۱۳۹۳). ذهن در حال رشد (چگونه تعامل روابط و مغز ما را شکل می‌دهد) مترجم: مهرناز شهرآرای. ناشر: آسیم. سال انتشار: ۱۳۹۳.
- علی اکبری دهکردی، مهناز؛ علی‌پور، احمد و درنجفی شیرازی، مهناز. (۱۳۹۳). اثربخشی قصه‌گویی بر مؤلفه‌های هوش اخلاقی کودکان دختر پیش دبستانی در شهر اصفهان. *دو فصل‌نامه شناخت اجتماعی*، ۳ (۲): ۳۳-۴۳.
- علی اکبری دهکردی، علی‌پور، احمد؛ مهناز؛ گلپایگانی، الهه و محتشمی، طیبه. (۱۳۹۴). ارائه مدلی برای سنجش هوش اخلاقی در کودکان. *فصل‌نامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۶ (۲۳): ۲۲-۳۵.
- علی اکبری دهکردی، مهناز؛ گلپایگانی، الهه و محتشمی، طیبه. (۱۳۹۴). ارائه مدلی برای سنجش هوش اخلاقی در کودکان. *کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روان‌شناسی و اجتماعی*، تهران، ۱-۱۹.
- کرباسیان، فرزانه. (۱۳۹۴). بررسی آموزش هوش اخلاقی بر بهبود کیفیت مهارت‌های ارتباطی و کاهش پرخاشگری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد خمینی شهر.
- کیاکمال، بهروز. (۱۳۹۰). قصه و داستان در کتاب‌های درسی و کمک درسی آلمان. *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*. شماره ۴۲. ۹۸-۸۷.
- لطیفی، زهره. صادقی هسنیجه، اکرم و حیدری، علی. (۱۳۹۴). بررسی شیوه‌های پرورش هویت اخلاقی کودکان. چاپ اول. اصفهان: انتشارات مؤسسه علمی دانش پژوهان برین.
- محمودیان، مهدی؛ خوش‌کش، الهه و صالح صدق‌پور، بردیا. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد قرآنی بر افسردگی دانشجویان. *پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم*. ۱ (۱): ۳۰-۴۲.
- مختاری‌پور، مرضیه و سیادت، سیدعلی. (۱۳۸۸). بررسی مقایسه‌ای ابعاد هوش اخلاقی از دیدگاه دانشمندان با قرآن کریم و ائمه معصومین (ع). *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۲ (۴): ۹۷-۱۱۸.
- مشرقی کاویجانی، سمانه؛ خدابخشی کولایی، آناهیتا؛ حمیدی‌پور، رحیم؛ مصلی نژاد، لیلی. (۱۳۹۴). رابطه بین هوش اخلاقی و سازگاری اجتماعی با شیوه‌های مقابله استرس در دستیاران تخصصی پزشکی دانشگاه‌های تهران در سال ۱۳۹۴. *آموزش و اخلاق در پرستاری*. ۴ (۴): ۳۳-۴۱.
- مرحمتی، زهرا، فولادچنگ، محبوبه (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد اسلامی بر بهزیستی روان‌شناختی یادگیرندگان، *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲ (۲): ۹۱-۱۱۲.
- میرشاهی، مهتری؛ قادری، علیرضا و معینی زاده، مجید. (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر علائم بالینی شخصیت

قربانیان سوءاستفاده جنسی. مجله پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره. ۵(۲): ۲۵-۳۸.
یاوری، فریبا. (۱۳۹۲). تأثیر قصه‌گویی و نمایش خلاق مبتنی بر قصه‌های قرآنی بر هوش اخلاقی دانش آموز دختر دبستانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد خمینی شهر.
یوسفی افرکتی، ربابه و صمدی، پروین. (۱۳۹۶). میزان موفقیت برنامه درسی آداب و مهارت‌های زندگی اسلامی (طرح کرامت) برکسب مهارت حل مساله دانش آموزان. نشریه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی (دانش و پژوهش در علوم تربیتی-برنامه‌ریزی درسی). ۲(۵۲): ۱۵۱-۱۴۱.

Arredondo Rucinski, D., & Bauch, P. A. (2006). Reflective, ethical, and moral constructs in educational leadership preparation: Effects on graduates' practices. *Journal of Educational Administration*, 44(5), 487-508.

Orba, M. (2005). The step by step plan to building moral intelligence, nurturing kid's hearts and souls. *San Francisco: National Educator Awards, National Council of Self Steam*, 1-25.

Fekkes, M., van de Sande, M. C. E., Gravesteyn, J. C., Pannebakker, F. D., Buijs, G. J., Diekstra, R. F. W., & Kocken, P. L. (2016). Effects of the Dutch Skills for Life program on the health behavior, bullying, and suicidal ideation of secondary school students. *Health Education*, 116(1), 2-15.

Kakavandi, K., Koochi, R., Shojaee, S., Movallali, G., & Norozali, S. (2017). The effectiveness of life skills training on the quality of life of mothers of children with hearing impairment. *Auditory and Vestibular Research*, 26(1), 34-40..

Lennick, D. & Kiel, F. (2005). *Moral intelligence*. University of Pennsylvania, Wharton.

Watt, M. C., Frausin, S., Dixon, J., & Nimmo, S. (2000). Moral intelligence in a sample of incarcerated females. *Criminal Justice and Behavior*, 27(3), 330-355.

Zhang, L. F. (2006). Thinking styles and the big five personality traits revisited. *Personality and Individual Differences*, 40(6), 1177-1187.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی